

ولایت الہی

سلسلہ بیانات حکیم مالدہ و مفسر قرآن کریم
مرحوم حضرت ایت اللہ محمد اسماعیل صائنی

سرشناسه	صائنی، محمد اسمعیل ۱۳۱۱-۱۳۷۷.
عنوان و نام پدیدآور	ولایت الهی / سلسله بیانات مرحوم محمد اسمعیل صائنی؛ به کوشش هوشنگ خسروی، محمد جواد خسروی، مریم خسروی ویراستار.
مشخصات نشر	زنجان: هوشنگ خسروی ستزچی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۳۸۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۴۳۶۴-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	کتابنامه به صورت زیر نویس
موضوع	ولایت
موضوع	امامت
موضوع	ولایت -- جنبه های قرآنی
موضوع	امامت -- جنبه های قرآنی
شناسه افزوده	خسروی، هوشنگ، ۱۳۲۷- گرد آورنده
شناسه افزوده	خسروی محمد جواد، ۱۳۵۷- گرد آورنده
شناسه افزوده	خسروی مریم، ۱۳۵۸- ویراستار
رده بندی کنگره	۳۹۴ / ۲۰۸ ص / ۲۲۳ / ۸ BP
رده بندی دیویی	۵/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	۴۱۳۴۸۶۴

ولایت الهی / مریم خسروی / به محمد اسمعیل صائنی

به کوشش: هوشنگ خسروی، محمد جواد خسروی

امور فنی: مریم قنبر

ویراستار: مریم خسروی

با همکاری: علی اکبر نژادیان

طراحی جلد: مهندس رقیه کرمی، م. رجبی (طراحان س.ا.)

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰,۰۰۰ ریال

چاپ اول: بهار ۹۵

ناشر مؤلف: هوشنگ خسروی - ۰۲۴-۳۳۷۷۲۶۱۳

Email: h.khosravi.saghezchi@gmail.com

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
یک	شرح زندگانی.....
نه	مقدمه.....
۱	۱- ولایت نوحی و تربیتی.....
۱۰	۲- تسلط شهودی امام بر باطن موجودات.....
۲۱	۳- انسان‌ها بالقوة خلیفة الله هستند.....
۳۲	۴- ارائه الطریق پیامبران علیهم‌السلام و ائمه علیهم‌السلام به مطلوب امامان علیهم‌السلام
۴۴	۵- ویژگی‌های امامت از دیدگاه قرآن کریم.....
۵۲	۶- هدایت باطنی انسان‌ها به وسیله‌ی امام معصوم.....
۶۳	۷- رسیدن به مقام یقین با استعانت از صبر و نماز.....
۷۲	۸- صبر و یقین دو شرط رسیدن به مقام امامت.....
۸۴	۹- امامان علیهم‌السلام به دور از گناه و اشتباهند.....
۹۵	۱۰- امامت عهدالهی است.....
۱۰۵	۱۱- مقام امامت موهبتی و مقام ولایت اکتسابی است.....
۱۱۴	۱۲- نگرشی به عبودیت انسان‌های کامل.....
۱۲۴	۱۳- علی علیه‌السلام صدیق الاکبر و فاروق الاعظم است.....
۱۳۸	۱۴- تأملی در عقیده‌ی انسان و عمل او (۱).....
۱۵۰	۱۵- تأملی در عقیده‌ی انسان و عمل او (۲).....

- ۱۶- انسان‌ها بالقوه دارای «ولایت الهی» اند..... ۱۵۷
- ۱۷- عبودیت و رابطه‌ی آن با ولایت الهی..... ۱۷۰
- ۱۸- ولایت الهی از دیدگاه اسلام..... ۱۸۳
- ۱۹- باطن و حقیقت دین همان ولایت الهی است..... ۲۰۱
- ۲۰- محبت الهی اساس عبودیت برای خدا است..... ۲۱۸
- ۲۱- قلب انسان‌ها با یاد خدا آرامش می‌یابد..... ۲۳۵
- ۲۲- انسان حیاتی در غیر نفس خویش ندارد(۱)..... ۲۵۲
- ۲۳- انسان حیاتی در غیر نفس خویش ندارد(۲)..... ۲۶۷
- ۲۴- سیر انسان در نفس خویش..... ۲۷۹
- ۲۵- عقل نسبت به تربت الهی برای هدایت انسان..... ۲۹۷
- ۲۶- راهیابی به خدا از راه ریاضت آفاقی و انفسی..... ۳۱۰
- ۲۷- تأملی در مراتب محبت الهی..... ۳۲۷
- ۲۸- تأملی در واقعیت‌گرایی و خرافه‌زدایی..... ۳۳۷
- ۲۹- ظهور ملکات انسان در قیامت همان جزای عمل او است..... ۳۴۹



شرح احوال و آثار



مرحوم آیت الله محمد اسماعیل صائنی

حاج شیخ محمد اسماعیل صائنی در سال ۱۳۱۱ شمسی در شهرستان زنجان به دنیا آمد و پس از شصت و شش سالگی پر برکت در تابستان سال ۱۳۷۷ شمسی دار فانی را وداع گفت. ایشان فرزند شیخ اسحاق بودند که از علمای بزرگ در عصر خود به شمار می آمده است. تحصیلات خود را در دبیرستان و دبیرستان در زادگاه خود زنجان آغاز نموده، سپس به حوزه علمی زنجان وارد شد و دروس مقدماتی را در آنجا خوانده است. سپس برای تکمیل تحصیلات علمی و دینی خود به شهر قم که مرکز علوم دینی است رفته و در آنجا تا مرتبه ای اجتهاد در علوم عقلی و نقلی ادامه داده است.

از استادان و معلمان ایشان باید به پدر بزرگوارش شیخ اسحاق صائنی، مرحوم رضا روزبه، آقا سید محمد نظام، آیت الله حاج سید احمد زنجان، علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)، آیت الله محقق داماد، حضرت امام خمینی، آیت الله العظمی بروجردی، شیخ محمد مجاهدی، آقا میرزا جواد اصفهانی، سید محمد حسن طباطبایی (برادر علامه طباطبایی) و شیخ محمد اردبیلی - رحمت الله علیهم اجمعین - اشاره کرد.

ایشان به تدریس در رشته های مختلفی چون فقه، اصول، فلسفه، تفسیر، اخلاق، اصول اعتقادی و مانند آن اشتغال داشت و شاگردان بزرگی را تربیت نمود. یکی از جنبه های

دیگر شخصیت ایشان وعظ، ارشاد و سخنرانی‌های دینی بود که در راه ترویج احکام دین کوشش داشت. همچنین همواره برای رفع نیاز و احتیاجات شرعی مؤمنان آماده و پیش‌قدم بود. در جهت علمی نیز همواره با دانشمندان و فضلالی حوزوی در ارتباط و مراوده‌ی علمی بودند. در دانشگاه‌های مختلف تدریس می‌نمودند و با انجمن حکمت و فلسفه ایران و مراکز علمی دیگر همکاری و تدریس داشتند. مسجد و اقامه‌ی نماز جماعت از امور مورد علاقه‌ی ایشان به شمار می‌آمد.

از آیت‌الله صائنی نوشته‌های فراوانی به یادگار مانده که جمع‌آوری نشده است. مقالاتی در زمینه‌های علمی و فلسفی و تفسیری دارند که نتیجه‌ی مطالعه‌ی ایشان در برخی کنگره‌ها ارائه گردیده. مانند کنگره‌ی علامه طباطبائی، اثیرالدین ابهری، حکیم هیدجی، حاج ملاهادی سبزواری، ملاعبدالرزاق لاهیجی و مانند آن. سخنرانی‌ها و مقالات و درس‌های ایشان به طور رادیه در اختیار علاقه‌مندان قرار دارد.

زندگی‌نامه ایشان به قلم نه‌ساله در بهار ۱۳۷۰ شمسی نوشته شده (عیناً نقل می‌شود):^۱

«اینجانب محمد اسمعیل صائنی در بهار سال ۱۳۱۱ هجری شمسی در شهرستان زنجان به دنیا آمدم. پدرم جامع معقول و منقول، راهب، نرزان، مرحوم شیخ اسحاق (رضوان الله تعالی علیه) می‌باشد. بر حسب روش متداول آن زمان، در هفتمین سال بهار عمر به دبستانی به نام «توفیق» که به مدیریت مرحوم رضا روزگار می‌شد، رفتم. در کلاس به نام شعبه اول، دروس کلاس اول و دوم را در یک سال به اتمام رساندم. پس از طی دوره دبستان به دبیرستان رفتم. در همان ایام و پیش از آن که به اخذ دیپلم نائل شوم، مرحوم پدر بزرگوارم هر روز عصرها و صبح‌ها به طور مرتب مرا با معارف و علوم دینی آشنا می‌فرمود، به طوری که بخش مهمی از علوم صرف و نحو و همچنین کتاب «گوهر مراد» شرح الهدایه میبیدی و قسمتی از اشارات را در

۱- علمای زنجان در یک‌صد سال اخیر، دکتر محمدحسین صائنی، صفحه‌ی ۳۴۶.

آن زمان فراگرفتم. همچنین هیأت قدیم و کتاب «خلاصة الحساب» و تقویم رقومی و قسمتی از هندسه اقلیدس را در محضر ایشان و بخشی را در خدمت حکیم و ریاضیدان، مرحوم آقا سید محمد نظام تحصیل کردم.

کم کم مرحوم پدر پیشنهاد می فرمود ترک دبیرستان کرده و مشغول کسب علوم دینی گردم، لیکن شرایط زمان و حضور در دبیرستان خاص سخت مرا آشفته کرده بود و از این کار ممانعت می نمود. قیافه‌ی بعضی کتاب‌ها را درست به خاطر دارم. مثلاً مطول با عظمت قطع و واشی ریز مرا سخت به وحشت می انداخت تا اینکه عنایت حق - عزّ اسمہ - دستم گرفت و شبی خوابی بسیار صریح و نافذ و توجه شخصیتی الهی و ملکوتی در آن اثر عمیق کرد. پس بیداری اساساً تصمیم عوض شد و جذبه‌ای خاص به اسلام و علوم اسلامی در خود انبساط کرد. سرانجام تسلیم پیشنهاد و امر پدرم شدم و مشغول تحصیل گردیدم. تقریباً تا کتب «المکاسب» و «مکاسب» را در زنجان در خدمت معظم له و جمع دیگری از استادان مسلم - رضوان الله علیهم اجمعین - تمام کردم. البته در ضمن تحصیل مشغول تدریس نیز بودم.

در اواخر سال ۱۳۲۹ شمسی جهت ادامه‌ی تحصیل به قم مشرف شدم و توسط مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجانی رحمته الله علیه در مدرسی حائیه مستقر شدم و تا آخر دوران تحصیلی که حدود پانزده سال طول کشید در یکی از حائیه‌های آن مدرسه سکونت داشتم. چند ماه پس از تشرف به قم با علامه طباطبائی - رضوان الله تعالی علیه - از نزدیک آشنا شدم که حضرت استاد نیز توجه خاصی به حقیر پیدا کردند. حقیر از وجود بابرکت ایشان استفاده‌های بسیار بردم، از جمله منظومه‌ی حکیم سبزواری، الهیات شفا و دوره‌ی کامل اسفار را از محضر ایشان بهره بردم و علاوه بر آن در جلسات مستمر شب‌های پنج‌شنبه و جمعه، حضور داشتم که هر هفته به طور مداوم تشکیل می شد و حدود ده، دوازده نفر از فضلاء حوزه نیز حضور داشتند. در آن جلسات بحث‌های عمیق

فلسفی و احیاناً عرفانی مطرح می‌شد و آخرین نظریه از طرف علامه مرحوم میرزا محمد تقی مطرح می‌گردید و جداً روحی در کالبدها می‌دمید. به حمدالله تعداد زیادی از دوستان آن جلسه در قید حیات‌اند - ادام الله برکات وجودهم - و بعضی‌ها به درجه‌ی شهادت رسیده و یا به رحمت ایزدی پیوسته‌اند.

قسمت عمده‌ی درس خارج فقه و اصول را از محضر آیت‌الله سید محمد محقق داماد با تحقیق و قوت نظر کسب کرده و نوشته‌ام. همین طور چند کتاب را که به عنوان درس خارج تدریس می‌کردند، مشتاقانه استفاده کردم. همچنین در درس خارج اصول مباحث و ادله‌ی عقلیه‌ی حضرت امام علیه السلام به طور کامل حضور داشتم و از ایشان نیز بهره‌های بسیار بردم. در درس خارج فقه مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی رحمتهما در ایامی که در قم بودم به طور اکید حضور یافتند. در آن اقامتم در قم اشتغال به تدریس نیز داشتم و پس از تبعید امام علیه السلام اولین جلسه برای تشریح جامعہ مدرسین قم، در اوایل امر در حجره‌ی اینجانب در مدرسه حجتیه تشکیل گردید و به مدت اولیه در آنجا گرفته شد.

از سال ۱۳۴۳ شمسی (۳۲ سالگی) بنا به اصرار اهالی متدین زنجان و احساس وظیفه‌ای که می‌شد تاکنون (۱۳۷۰ شمسی) در زنجان فایده نموده‌ام، آنان مسجدی وسیع در مرکز شهر برای انجام وظایف شرعی حقیر بنا کردند و اینجانب آن را به نام رسول الله صلی الله علیه و آله نامیدم. و از زمان اقامتم در زنجان تاکنون مشغول انجام وظایف شرعیه می‌باشم، از قبیل تدریس فقه و اصول فلسفه و تفسیر قرآن مجید و درس اخلاق و اصول دین برای طبقه‌ی جوان و شرح و بیان تمام نهج‌البلاغه و تمامی روایات کتاب شریف توحید صدوق و خدمات دیگر که فعلاً نیز مشغولم.

آیت‌الله محمد اسمعیل صائنی رحمتهما در روز ۱۵ تیر ماه سال ۱۳۷۷ در شهر زنجان به رحمت ایزدی پیوست و فقدانش دل خویشان و اقربا و دوستان و مشتاقانش را برای همیشه داغدار ساخت. ایشان دارای پنج فرزند است که سه پسر و دو دختر می‌باشند. آن بزرگوار علاوه بر استفاده از محضر علماء و فضلاء بزرگ عصر مورد محبت اکثر زعمای

حوزه و بلاد بزرگ بوده‌اند و اجازاتی از ناحیه‌ی ایشان صادر گردیده است. به اذعان دوستان و استادان و اهل فن، مرحوم آیت‌الله صائنی در زمره‌ی نخبگان عصر و مخصوصاً در علوم عقلی و فلسفه‌ی اسلامی، دارای شخصیتی بی‌نظیر بوده و در مقام تدریس و تفهیم نیز روش ویژه‌ای داشتند که بسیاری از شیفتگان معرفت را پروانه‌وار بر گرد شمع وجود خویش جمع می‌نمودند.^۱

دکتر محمدحسین صائنی

۱- برای مطالعه بیشتر، ر.ک: علمای نامدار زنجان در قرن چهاردهم، زین‌العابدین احمدی زنجان‌ی و کیهان اندیشه، شماره‌ی ۴۴.

مقدمه

بسمه تعالی

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَآلِهِ الْمَعْصومِينَ

حاجیم متاله و مفسر قرآن کریم آیت‌الله محمد اسمعیل صائنی رحمته از علمای زنجان و در زمره‌ی بزرگان ممتاز مرحوم علامه محمد حسین طباطبایی رحمته است که در طول حیات پربرکت خود اختراعات دینی و اجتماعی مدونی داشته است. این مجموعه‌های ارزشمند عمدتاً به زبان ترکی و برای مخاطب عام ایراد شده است. کتاب حاضر برگرفته از سلسله بیانات ایشان در ماه رمضان ۱۳۷۰ شمسی است که به موضوع «ولایت الهی» اختصاص دارد. گردآورندگان و ویراستار کسیده‌اند که در برگردان بیانات ایشان به زبان فارسی نهایت امانت‌داری به لحاظ معنایی رعایت شده باشد.

مرحوم علامه‌ی طباطبایی در رساله‌ی «الولایة» و «تفسیر میزان» در رابطه با آیات مربوط به امامت اساس و پایه‌های «ولایت الهی» را مطرح نمود. ولیکن مباحثی که به طور مبسوط و مدون به شرح ولایت الهی پرداخته باشند اندک و اندک در کتاب حاضر بحث ولایت الهی به طور مشروح و با بیانی ساده‌تر و با استناد به آیات قرآن کریم و روایات بیان شده است.

در این سلسله بیانات مرحوم آیت‌الله صائنی با استناد به آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی بقره نتیجه می‌گیرد که خلافت الهی با نوع انسان قائم است. در این آیه خداوند به ملائکه اعلام می‌دارد که در زمین برای خود جانشین قرار خواهد داد. از این آیه و سایر آیات قرآن مربوط به امامت دریافته می‌شود که خلافت الهی که همان امامت است با امام معصوم قائم است. اما آیا غیر از امامان و انبیا و اوصیای ایشان افراد دیگری نیز از نوع انسان به

مقام ولایت الهی نائل می‌شوند؟ مرحوم آیت‌الله صائنی با استناد به آیه‌ی ۹۷ سوره‌ی نمل و برخی آیات و روایات دیگر به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهد و بیان می‌دارد که تمام انسانها به صورت بالقوه استعداد خلافت الهی را دارند؛ هر کس که در علم و عمل از آخرین پیامبر خداوند و اوصیای به حق او تبعیت کند، این استعداد در او به فعلیت می‌رسد و تالی معصوم می‌شود. ولایت تکوینی هرگز قطع‌شدنی نیست و امام معصوم در هر زمان به وسیله‌ی استیلا و احاطه‌ای که به اذن خداوند بر عالم هستی و باطن انسان‌ها دارد افراد مستعد را هدایت باطنی می‌کند. زمین هرگز از حجت خدا خالی نمی‌شود و امام معصوم همچون آنجا که پس ابر قلوب بندگانی که زمینه‌ی هدایت را در خودشان ایجاد کنند را بهره‌مند می‌نماید.

امید است که بن کتب مورد قبول و رضای درگاه حضرت حق واقع شود و توجهات حضرت ولی عصر (عج) را به این معانی آرد.

وَمِنْ اللَّهِ التَّوْفِيقُ